

به نام خدا

شرط انتقال تانصف دارایی

(انتقال تا نصف دارایی زوج به زوجه)

تالیف:

محمد طالبی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

وکیل دادگستری



۱۳۹۱

سرنشانه	: طالبی، محمد، ۱۳۶۱-
عنوان قرارداد	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: شرط انتقال تا نصف دارایی: (انتقال تا نصف دارایی زوج به زوجه)/تالیف محمد طالبی
مشخصات نشر	: قم، حقوق امروز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۸ ص
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا : شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۵۲-۲-۱
عنوان دیگر	: انتقال تا نصف دارایی زوج به زوجه.
موضوع	: زناشویی -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: زناشویی(فقه)
موضوع	: حقوق خانواده -- ایران
رده بندی بکره	: ۴ ۱۳۹۱ش/ط۲/KMH۵۴۲
رده بندی دیوید	: ۳۴۶/۵۵۰۱۶ :
شماره کتابشناسی مان	: ۲۸۵۷۲۰۵ :



شرط انتقال تا نصف دارایی (انتقال تا نصف دارایی زوج به زوجه)

تالیف: محمد طالبی

طرح جلد و صفحه آرای: یوسف نجفی فرد چاپ : سحر: نصف

چاپ اول - ۱۳۹۱ تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۵۲-۲-۱ قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

انتشارات حقوق امروز:

قم - میدان مطهری- ابتدای خیابان اراک- پلاک ۱۹- طبقه دوم

تلفن: ۰۲۵۱۶۷۰۰۹۰۰ نمایر: ۰۲۵۱۶۷۰۰۹۰۱

کرج. بلوار ملا صدرا. نیش میدان نبوت. ساختمان هیراد. واحد ۲۰. تلفن ۰۲۶۳۲۵۵۸۹۵۱

www.todaylaw.ir Email: todaylaw91@yahoo.com

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

این اثر تقدیم می‌کنم:

به پدر زحمتکش و عزیزتر از جانم و مادر دلسوز و فداکارم که
وجودشان نهایت فیض الهی است، تا باشد قطره‌ای از دریای محبتشان را جبران
کرده باشم.

به همسر باگذشت و مهربانم که همیشه مشوق من در تحصیل علم و
کمال است و در راه این اثر صبوری را پیشه خود نمود.

سپاس

از زحمات بی شائبه استاد گرانقدرم، جناب آقای دکتر سید حسن وحدتی
شیری سپاسگزاری می‌کنم و افتخار تلمذ ایشان را، جزای الطاف باری تعالی
می‌دانم.

و همچنین تقدیر می‌کنم از سروران معظم در محاکم خانواده و تجدیدنظر
استان قم خصوصا جناب آقای محمد موسوی مقدم، معاونت محترم آموزش
دادگستری کل استان و رئیس دانشگاه علمی کاربردی، به پاس خدماتی که در
جهت نیل به مقصود اینجانب ارائه دادند تا بتوانم در کنار قضات برجسته به
بحث و مباحثه و مطالعه دعاوی و پرونده های قضایی خانواده بپردازم.

مبحث نخست - کلیات و مفاهیم ۱۳

گفتار نخست: مفهوم و اقسام شرط ۱۵

الف) معانی شرط ۱۵

ب) مفهوم شرط ضمن عقد ۱۷

ج) اقسام شرط ضمن عقد ۱۸

۱. از نقطه نظر نفوذ و تأثیر شرط در عقد ۱۸

۲. شرط تلافی مقتضای ذات عقد ۱۹

۳. شرط مجهول که باعث جهل به عوضین شود ۲۱

گفتار دوم: مفهوم دارایی ۲۳

الف) تعاریف دارایی ۲۳

۱. معنای لغوی دارایی ۲۳

۲. دیدگاه حقوقی دارایی ۲۳

ب) دارایی و شرط تنصیف آن ضمن عقد نکاح ۲۵

۱. دارایی قبل از ازدواج ۲۶

۲. دارایی تحصیل شده در ایام زناشویی ۲۷

مبحث دوم: شرط تنصیف و مسائل متفرعه آن ۲۹

گفتار نخست: فلسفه جعل شرط تنصیف دارایی ۲۹

گفتار دوم: شرایط اجرای شرط تنصیف ۳۵

الف) شرط ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم ۳۵

ب) عدم درخواست طلاق از سوی زوجه ۴۰

ج) تخلف زن از مطالبه سهم ۴۵

۱. نحوه احراز سوء اخلاق و رفتار و نشوز زوجه ۴۹
۲. تخلف زن از وظایف همسری در گذشته ۵۳
- د. مفهوم موجود بودن دارایی ۵۴
۱. مفهوم تا نصف دارایی ۵۸
۲. انتقال معادل دارای ۵۹
- گفتار سوم - شرایط تحقق انتقال تا نصف دارایی ۶۷
- الف) وقوع طلاق ۶۷
- ب) درخواست اجرای شرط از سوی زوجه ۷۰
- ج) امضاء شرط مدعی در بند «الف» نکاحیه رسمی ۷۳
- د) عدم تأثیر قواعد آمره بر ابطال شرط تنصیف ۷۷
- هـ) مقایسه رژیم انتقال و اشتراک در دارایی ۷۷
- و) نحوه شناسایی و اثبات دارایی زوج و استثنائات بر آن ۸۰
۱. طرق شناسایی دارایی زوج برای اعمال شرط تنصیف ۸۱
۲. مستثنیات بر شرط تنصیف ۸۵
۳. تأخر شرط تنصیف از دیون ۸۸
- ز) تأثیر جهل بر شرط انتقال تا نصف دارایی ۹۱
- ک) تأثیر غیر مدخوله بودن زوجه در استحقاق شرط تنصیف ۹۷
- ل) اجرای شرط نسبت به زوجه غایب ۱۰۱
- گفتار چهارم: فروع استحقاق شرط انتقال تا نصف دارایی ۱۰۳
- الف) ارتباط شرط تنصیف دارایی با اجرت‌المثل خانه داری زوجه ۱۰۳
۱. اجرت‌المثل ۱۰۴

۲. اجرت‌المثل با شرط تنصیف دارایی قابل جمع نیست..... ۱۰۵
۳. اجرت‌المثل با شرط تنصیف دارایی قابل جمع است..... ۱۰۶
- ب) ارتباط شرط تنصیف دارایی با نحله..... ۱۱۱
- ج) فرار از دین..... ۱۱۲
- د) ادعای اعسار نسبت به شرط انتقال تا نصف دارایی..... ۱۱۷
- هـ) دادخواست یا درخواست اجرای انتقال تا نصف دارایی..... ۱۱۸
- گفتار پنجم - استفتائات مراجع عظام تقلید..... ۱۲۳

مقدمه

با بررسی تاریخ حقوق انسانها در ادوار گذشته، به خوبی می‌توان دریافت که زن در میان اجتماع انسانها از ناملایمتهایی برخوردار بوده است که بر حسب ذات و طبیعت خلقتش، به نوعی از دفاع در برابر ظلم و ستم‌هایی که به او روا داشته شده، ناتوان بوده است. حقوق زن به حال در هر سرزمین و هر جامعه‌ای از کوچک تا بزرگ، بر حسب فرهنگ و مذهب، آداب و رسوم، اعتقادات پیشینیان و قوانین و مقررات حکومتی مورد تبعیض و اجحاف قرار گرفته است. به طوری که هنوز هم در دنیای گفتگوی حقوق بشر و حیات در دموکراسی مدرنیته، جایگاهی از برتری صدق و راستی برای وی در نظر نگرفته‌اند. اسلام به عنوان دین کامل و خاتم، احکام فراوانی را در مورد روابط انسانها با یکدیگر بنا نهاد. روابطی که حامل رعایت حقوق هم‌نوع و هم‌زیست بود.

حقوق و مقرراتی که پس از تشکیل جوامع مختلف از اقتصادی و مذهبی تا جوامعی کوچک به نام خانواده را زیر سایه خود برد. از جمله این مقررات، حقوق زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. زن در کشور ایران به جز اینکه از ارزشهای مادی انسانی برخوردار است، دارای حمایت‌های مالی ویژه‌ای نیز می‌باشد، به طوریکه در کوره راههای اقتصادی، خدای ناکرده کرامت انسانی خود را از دست نخواهد داد. به عنوان مثال می‌توان از حقوق وی در قوانینی از جمله قانون اساسی (اصل ۱۰ و ۲۱)، قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و دیگر مصوبه‌های تقنینی نام برد. حقوق مالی زن در قوانین مصوب عناوینی دارد که از جمله آنها می‌توان به مهریه، نفقه، اجرت زحمات خانه‌داری، شروط مالی ضمن عقد، نحله و دیگر موارد یاد کرد و این نشانگر توجه قانونگذار به زنان در میان اعضای خانواده است به طوریکه این حقوق را برای مرد و فرزندان در نظر نگرفته است.

علی‌هذا در این اثر قصد داریم که نمونه ای از حقوق مالی زوجه را مد نظر گیریم تا با بررسی آنها در بخش نظری و دقت در کاربرد آنها در عمل و رویه قضایی بتوانیم اشکالات امر را بیابیم و در جهت رفع آنها برائیم تا آراء صادره در این موضوع کمتر مواجه با نقض گردد و زوجین با مشکلات کمتری در زمان جدایی مواجه باشند، باشد تا کوچکترین خدمتی در تاریخ حمایت از زن به وی کرده باشیم و این یادگاری بماند از حاصل دسترنج و تلاش چندین سال تحصیل و کسب فیض از محضر اساتید مجرب و دلسوز تا درس خود را بدینگونه پاسخ داده باشیم. لذا چنانچه اشاره رفت در این تحقیق با موضوعی از جمله شرط ضمن عقد نکاح به نام شرط تنصیف در زمان طلاق می‌پردازیم و با بررسی آراء قضایی در محاکم خانواده چنانچه اگر اشکال و ایرادی بر آنها وارد بوده است که منجر به نقض گردیده و ما همین موارد نقض را بررسی می‌نمائیم. این موضوع حقوقی از مواردی است که در حین طلاق بدان پرداخته می‌شود، بر عکس نفقه و مهریه و... که در طول زندگی زناشویی زوجه قابل مطالبه است.

با این حال عده‌ای از محققین و نویسندگان در مورد تفسیر این موضوع اختلافاتی دارند و البته از سوی قضات نیز اختلافاتی مشاهده گردیده است که بر آن شدیم تا با بررسی اختلافات موجود به نتیجه‌ای واحد برسیم و گزارش‌ای از حقوق مالی زوجه را طبق نظریات حقوقدانان عزیز و فقهای گرانقدر موشکافی کرده. دلایل نقض آراء صادره در این خصوص را دریابیم و نیز نظر متقن را کشف کنیم تا با اعمال آن در محاکم دادگستری به رویه‌ای واحد در جهت حمایت از زن دست یابیم. آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است صرفاً راههایی در جهت تأمین مطمئن‌تر حقوق مالی زوجه در خانواده است که یکی از آنها به عنوان مثال شرط تنصیف دارایی می‌باشد. بدین نحو که زوجین توافق کنند تا زوج متعهد بر پرداخت میزان معینی مثلاً تا نصف دارایی‌اش از دارایی خود به زوجه در صورت طلاق یکطرفه از جانب مرد شود. بعضی از محققین این شرط را مانع برای استیفای اجرت‌المثل خانه‌داری خواند دانسته‌اند که در این باب نیز بدان پرداخته‌ایم. علی‌هذا وقتی قوانین مصوب چهره عمل به خود می‌گیرد ممکن است عاملین در اجرای آنها با مشکلاتی روبرو شوند که منجر به اضرار یکی از زوجین گردد.

مثلاً آنطور که مستحق زن است حقوق وی را در نظر نگیرند و یا بالعکس بیشتر از

شایستگی وی به او اموالی پرداخت گردد که ضرر این چنینی در اصل به مرد وارد شده است. بنابراین غیر از اینکه باید به مواردی از جمله شناخت دارایی مرد، زمان اکتساب آن، دلیل طلاق و دیگر مواردی که در متن نوشتار بدان خواهیم پرداخت تلاش نمود، باید در اجرای هدف قانونگذار نهایت دقت را به خرج داد چرا که در زمان تقنین این مصوبات متخصصینی از علوم مختلف، دلسوزانه گرد هم آمده‌اند تا با حداقل کلمات بتوانند حداکثر حمایت ممکن را از زوجه تصویب نمایند در حالیکه از ذکر تمامی گفته‌های خود در متن قانون ناتوانند و این ما هستیم که می‌بایست با تفسیر دقیق این مصوبات، اهداف والای آنها را به درستی اجرا نمائیم تا دنبال‌ه رو این نیت خیر و این عمل انسان دوستانه در شرع مقدس و قانون مصوب نیز باشیم. بنابراین ممکن است در بعضی موارد تفاسیر نادرست، نتایج مخربی به همراه داشته باشد که فقط در زمان نقض آراء می‌توانیم بهتر و آسانتر به آنها پی ببریم و در غیر این صورت می‌باید مجدداً تمامی آرائی را که صادر می‌گردد از توربین قضات مجرب دیگر عبور دهیم که مبدا اشکالی در صدور آنها وجود داشته باشد که این مستلزم جعل قوانینی است که فی الحال نه تصویب گردیده و نه نیازی به تصویب آنها دیده می‌شود. اما آنچه مهم است این که نباید اجازه دهیم آراء مشتبه و غلط در رویه محاکم تکرار گردند و چاره‌ای نیست مگر بر مبنای موارد نقض شده آراء در موضوعاتی که مطرح نمودیم. لذا با بیان این مسأله به مطالب بعدی رهنمون می‌شویم. در قانون مدنی کشور ایران که بر اساس فقه امامیه استوار گردیده است، زن دارای حقوقی است که در سایه‌بان خانواده بدان دست می‌یابد. حقوقی که می‌تواند به کمک آن، محرومیت‌های دیگر اجتماعی را جبران نموده و به نوعی باعث دلگرمی او در زندگی شده و البته اهرمی برای جلوگیری از ظلم احتمالی شوهر باشد. ظلمی که ممکن است از طریق سوء استفاده در اجرای حق مرد به وجود آید و یا در صورت عدم توانایی بر استیفای حق خود لااقل به حقوق موصوف دلخوش باشد.

پس از اینکه توانستیم حقوق زن را بشناسیم ممکن است سؤال شود که حقوق زوجه شاید در اجرا آنطور که شایسته است بدان تعلق نگیرد و بارها مشاهده گردیده که زن به حقوق خود نرسیده و پس از اجرای طلاق با کوله باری از مشکلات همراه چند فرزند خردسال در جامعه رها شده است و نیز قابل مشاهده است که زنان پس از طلاق از

اجرای حقوق خود رنجیده خاطر بوده و تفسیر و برداشت قضایی از مصوبات قانونی مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد حقوق زن از سوی قضات نتوانسته است وی را اقناع نماید. لذا با توجه به این تفاسیر است که مصوبات قانونی چهره ظهور حکمی به خود گرفته و محلل اختلافات بین زن و مرد در حقوقشان خواهد بود. این بیانات نباید حمل بر این گردد که حقوق زوجه در کشور ایران موردنظر مراجع قضایی نیست و در حق وی اجحاف صورت می‌گیرد، بلکه نوشتار حاضر در صدد نیل به مقصودی است که هیچ زنی پس از طلاق، شکوه و نارضایتی خود را در عنوان نرسیدن به حق خود نسبت به دستگاه قضا مطرح ننماید. بنابراین با توجه به سابقه‌ای که در صدور آراء محاکم خانواده وجود دارد، مشاهده کردیم که در مورد این موضوع، آراء قضایی به دلایلی متفی می‌گردند که این عمل بارها نیز به صورت مکرر در محاکم تجدیدنظر مشاهده گردید، چنانکه ملاحظه شد؛ دلایل نقض علیرغم اینکه با انتصاب قضات جدید چهره موجه به خود می‌گرفت بلکه آموزه‌ای برای آنها جهت عدم تکرار حکم غلط یا اشتباه نبود، به عنوان مثال میلی که در سالهای قبل باعث نقض رای بدوی گردیده است هیچگاه مورد دقت قضات در سالهای بعد نبوده و همچنان آرای صادر می‌گردد که به دلایل سابق نقض می‌شود.

بنابراین با توجه به این معضل قضایی بر آن شدیم تا با انتخاب این نمونه از حقوق مهم زن که در نقض آراء ابتلائی بیشتری را به خود گرفته بودند، البته از لحاظ مالی و ارزشی دارای اهمیت به سزایی برای زن هست، به تدقیق و تعمیق موضوع پردازیم و علل نقض آنها را با توجه به متون و اصول فقهی و قوانین مصوب و نیت قانونگذار و مبنا و منشأ حقوقی و فقهی آنها دریابیم و پس از اعلام آنها به عنوان علل نقض، کوچکترین قدمی در راستای ایجاد وحدت رویه قضایی بین قضات خانواده برداشته باشیم تا دیگر تفسیر دلخواه قضایی و یا برداشت اشتباه قضات باعث نقض چنین آراء مهمی نگردد و زوجین علیرغم مشکلاتی که دارند در محاکم دادگستری سرگردان نباشند. قابل ذکر است اگر چنانچه قرار باشد در مجموع دادگاههای کشور، آرائی صادر گردد که کمترین نقض را به همراه داشته باشد باید دست آراء قضایی محاکم خانواده را به عنوان آراء برتر بالا بگیریم، چرا که در دیگر دادگاههای صادر کننده رای به غیر از خانواده، چنانچه

اشتباه و یا تفسیر غلطی از قانون انجام گیرد و باعث نقض آراء شود، تخریبی که در صدور آراء خانواده به وجود خواهد آورد به دنبال نخواهد داشت، زیرا این زن است که در معضلات اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی و اشتغال، دچار آسیب هایی خواهد شد که نه اینکه خود وی منجر به سقوط در ابعاد مذکور خواهد شد بلکه بنیان سقوط اجتماع عظیم بشری را نیز به همراه خواهد داشت، چرا که فرزند از دامن مادر هم اوج می گیرد و هم ممکن است در حضيض ذلت فرو رود و چه معدود زنانی که به خاطر عدم حمایت مالی و یا اصلا عدم امکان حمایت مذکور، دچار انحطاط های اخلاقی و دینی شدند که سالها به خاطر خجلت و شرمساری در جامعه، کودکان خود را به انحاء مختلف رها نمودند و یا در زمرة گروه خود وارد ساختند و این طبق آمارهای مکتب روانشناسی اجتماعی و جرمشناسی نشأت گرفته از مصائبی است که ماحصل ضعف اقتصاد و بضاعت در خانواده بوده و آنچنان که بی دانی فرزندان طلاق، آستانه تحملشان کم و درجه بزهکاریشان رو به فزونی بوده است.

علی ایحال با دقت نظر در این مباحث و نتیجه ای که گرفتیم بر آن شدیم تا با اکتشاف و استخراج دلایل ماهوی نقض آراء در تکیه بر این باشیم که آراء صادره در آتیه، خالی از خدشه و اشکال ماهوی بوده به طوری که تنها نظر نسبت به آنها نقضی به همراه نداشته باشد و قضات دادگاههای خانواده با اتخاذ رویه ای واحد در جهت احقاق حقوق زن، حمایت قانونگذار را اعمال نمایند.